

## نقدی بر سیاست نوشتار (پژوهشی در شعر و داستان معاصر ایران)<sup>۱</sup>

کامران تلطف، ترجمه مهرک کمالی. تهران: نشر نامک، ۱۳۹۴.

چاپ نخست، ۳۲۷ صفحه.

عبدالرسول شاکری<sup>۲</sup>

### ۱. مقدمه

کتاب *سیاست نوشتار (پژوهشی در شعر و داستان معاصر ایران)* نوشته کامران تلطف، استاد زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در دانشگاه آریزونا، است که مهرک کمالی آن را ترجمه و نشر نامک در اردیبهشت ۱۳۹۴ منتشر کرده است. این کتاب محصول پژوهشی دانشگاهی است، نسخه بازبینی شده‌ای از پایان‌نامه دکتری تخصصی نویسنده در رشته مطالعات خاور نزدیک است که سال ۱۹۹۶ در دانشگاه میشیگان دفاع شده است. این کتاب را می‌توان یکی از مهم‌ترین آثار در زمینه تاریخ ادبیات معاصر ایران دانست چون به‌شیوه‌ای نظاممند رابطه ایدئولوژی‌های مختلف را بر جنبش‌های ادبی بررسی کرده است. درواقع، نوعی تاریخ‌نگاری ادبی براساس رابطه ادبیات با ایدئولوژی است. نویسنده، بر ایناساس، ادبیات سده اخیر را به چند جنبش تقسیم کرده و هر یک را چون اپیزودی دانسته و ادبیات معاصر ایران را «مجموعه‌ای از جنبش‌های ادبی اپیزودیک» نامیده و در این میان، برای بازنمایی استعارای ایدئولوژی در بیان ادبی، وجهی ویژه در نظر گرفته است. رویکرد نظری کتاب بر این پیش‌فرض استوار شده است که «رویارویی میان ادبیات و پارادایم‌های ایدئولوژیک روش و منش نویسندگی (سیاست قلم) را در ایران تعیین کرده است» (تلطف ۱۳۹۴: ۱۷).

---

1. Kamran Talattof (2000). *The Politics of Writing in Iran: A History of Modern Persian Literature*. Translated by Mehrak Rahimi. New York: Syracuse University Press. First Edition.

۲. استادیار سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

## ۲. سازمان‌بندی مطالب

کتاب در شش فصل سامان یافته است. فصل ۱: با عنوان «جنبش ادبی اپیزودیک: الگویی برای درک تاریخ ادبی، صص ۱۳-۴۳»، درباره ساختار کلی کتاب و رویکرد نظری توضیحاتی آمده است. در واقع، فشرده‌ای از مباحث فصل‌های بعدی را به‌همراه توضیح و تعریف اصطلاحات کلیدی به‌کاررفته از قبیل «جنبش ادبی اپیزودیک»، «اپیزود ادبی»، «بازنمایی ایدئولوژی»، «استعاره»، «جنبش ادبی»، و «تفسیر گفتمانی» آورده است. فصل ۲: با عنوان «فارسی‌گرایی: ایدئولوژی انقلاب ادبی اوایل قرن بیستم»، صص ۴۳-۱۳۵، با توضیحاتی درباره زمینه‌های تغییر در دوره قاجار و به‌ویژه اواخر آن و انقلاب مشروطه آغاز می‌شود. درباره پیشگامان این تحولات از قبیل مراغه‌ای و طالبوف توضیحاتی آمده است؛ سپس به‌طور مفصل، درباره آثار نمایندگان جنبش ادبی فارسی‌گرایی، به‌ویژه جمالزاده و هدایت، و به‌صورت مختصر آثار آل‌احمد و خسرو شاهانی مورد بحث قرار داده است. این جنبش ادبی تا سقوط رضاشاه در سال ۱۳۲۰ ادامه می‌یابد. کشفیات و نظرات منحصر به‌فرد نویسنده درباره اشعار نیما یوشیج به این فصل ویژگی خاصی داده است. در فصل ۳ با عنوان «انقلاب و ادبیات: ظهور جنبش ادبیات متعهد قبل از انقلاب ۱۳۵۷»، صص ۱۳۵-۲۰۵، زیر دو عنوان «انقلاب و داستان» و «انقلاب و شعر»، درباره تأثیر ایدئولوژی بر برخی آثار نویسندگانی چون گلشیری، به‌رنگی، چوبک، دولت‌آبادی، ساعدی، آل‌احمد و شاعرانی چون سلطان‌پور، شاملو، خویی، مشیری و شفیعی کدکنی مثال‌هایی را به‌همراه تحلیل آورده است. این فصل، همچنین، زیر عنوان «موضوع‌های اجتماعی و زمینه‌های انقلابی در ادبیات زنان قبل از انقلاب»، درباره تأثیرپذیری آثار سیمین دانشور، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی از ادبیات متعهد، بحث مفصلی دارد. فصل ۴ با عنوان «انقلاب و ادبیات: ظهور جنبش ادبی اسلامی پس از انقلاب ۱۳۵۷»، صص ۲۰۵-۲۴۵، از جنبشی ادبی سخن به‌میان آورده که منتقدان کمتر بدان توجه کرده‌اند. فارغ از مناقشه‌پذیر بودن اطلاق جنبش ادبی به آثار بررسی‌شده از این مقطع زمانی، بحث و تحلیل درباره داستان‌نویسانی چون محمد نوری‌زاد، نصرت‌الله محمودزاده، مهدی شجاعی، ولید امیری، مخبلیاف، و شاعرانی مانند تیمور گرگین، سید علی موسوی گرمارودی و طاهره صفارزاده، به عنوان نمایندگان جنبش ادبی اسلامی، موضوعی مغتنم است. در فصل ۵ با عنوان «گفتمان فمینیستی در ادبیات پس از انقلاب»، صص ۲۴۵-۳۰۵، چنانکه در عنوان آن می‌بینیم، نویسنده از به‌کار بردن اصطلاح جنبش ادبی برای این نوع ادبیات پرهیز کرده است، این درحالی است که این اصطلاح را برای ادبیات اسلامی پس از انقلاب به کار برده است. گفتنی است ترجمه این فصل را مترجم با کمک شخص دیگری انجام داده و زبان آن از بخش‌های دیگر کتاب فارسی‌تر و دقیق‌تر

است. نویسنده در این فصل درباره آثار چند نویسنده از جمله شهرنوش پارسی‌پور، منیرو روانی‌پور و شهین خنامه بحث کرده و همچنین آثار پس از انقلاب سیمین بهبهانی و سیمین دانشور را با آثار قبل از انقلاب آنان مقایسه نموده تا تغییر در گفتمان ادبی زنان را در سال‌های پس از انقلاب نشان دهد. مباحث مطرح‌شده در این فصل، بحث‌های فمینیستی در ادبیات این دوره، از جمله موضوعاتی است که در تحلیل‌های مربوط به ادبیات کمتر بدان پرداخته شده است. فصل ۶ با عنوان «نتیجه‌گیری: کاربرد گرایش ایزودیک ادبی در ادبیات ترکی و عربی»، صص ۳۰۵-۳۲۳، فصل پایانی کتاب است. در این فصل مباحث فصل‌های پیشین جمع‌بندی شده و توضیحاتی تکمیلی درباره اصطلاح جنبش ادبی ایزودیک آمده است. سرانجام، پس از بحثی کوتاه و فشرده درباره اوضاع سیاسی کشورهای عربی و ترکیه، به تشابهات تحولات ادبی ایران و این مناطق، از دیدگاه نحوه تأثیرپذیری آنان از ایدئولوژی، اشاراتی کرده است. چنانکه پیش از این درباره روشمند بودن این کتاب سخن گفته شد، باز باید تأکید کرد، این کتاب در این زمینه استثناست و گامی به پیش در جهت رویکردهای نوین و نظام‌مندتر به تاریخ ادبیات فارسی است.

### ۳. بررسی شکلی و محتوایی

کتاب از نظر ظاهری یعنی حروفنگاری و صفحه‌آرایی و... ایرادی ندارد. عنوان کتاب، عنوان فصل‌ها، و عنوان‌های فرعی با دقت انتخاب شده است و مطالب کل کتاب دارای انسجام است و هیچ حشو یا ناموزونی در آن دیده نمی‌شود.

زبان اثر، به دلیل ناتوانی مترجم، در برخی بخش‌های کتاب، به‌ویژه فصل‌های نخست، ایرادهایی دارد. فصل ۲، «فارسی‌گرایی: ایدئولوژی انقلابی اوایل قرن بیستم» نام گرفته و متون ادبی دوره تاریخی مورد نظر در چنین زمینه‌ای تحلیل شده است. نویسنده، جنبش ناسیونالیسم - گاه افراطی - این دوره را به «فارسی‌گرایی» فروکاسته است و در تحلیل آثار این دوره، ناچار شده است به همین مورد بسنده کند. اگر این فروکاستن در روش‌شناسی پژوهش ایشان نمی‌بود و به‌عبارتی روش‌تر، اگر جنبش ادبی این دوره را ناسیونالیسم می‌نامیدند (کاری که شاهرخ مسکوب، در کتاب *داستان ادبیات و سرگذشت اجتماع*، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۷۳، با دقت و بر اساس شواهد بسیاری، انجام داده است)، آنگاه رابطه ایدئولوژی و ادبیات در متون این دوره با دقت علمی و شمول بیشتری تحلیل می‌شد. کتاب از تعصبات مرسوم در میان برخی پژوهش‌گران روشنفکر یا منتقد به‌دور است و می‌بینیم که «جنبش ادبی اسلامی پس از انقلاب ۵۷» را نیز تحلیل کرده است.

#### ۴. ارزشیابی کلی و پیشنهادها

کتاب برای سرفصل تاریخ ادبیات معاصر در رشته زبان و ادبیات فارسی، مقطع کارشناسی، می‌تواند کتاب درسی اصلی شود. همچنین می‌تواند برای مطالعات میان‌رشته‌ای از قبیل جامعه‌شناسی و ادبیات، تحلیل گفتمان و ادبیات مفید باشد. همچنین می‌تواند منبعی باشد برای درس‌های مطالعات زنان، زیرا فصلی کامل و مفصل از کتاب در این باره است. همچنین، فصل پایانی کتاب برای علاقه‌مندان مطالعات تطبیقی در زمینه ادبیات منبع مناسبی است.